

# آریل شارون و زمان و مکان او

نوشته سیلوان سی پل

«جنگ استقلال [اسرائیل] به پایان نرسیده است. نه! جنگ ۱۹۴۸ تنها فصل اول» از تاریخی بود که باید نوشته شود. راستی آریل شارون از بیان این جمله مبهم و رازآمیز چه هدفی را دنبال می کند؟ نخست وزیر اسرائیل در يك مصاحبه حیرت انگیز با روزنامه اسرائیلی هآرتص (لوموند ۱۸ آوریل) کلید فهم این نکته را به دست می دهد. او با صراحت شبیه انگیزی پرده از چهره خویش بر می گیرد: «نه، من شارون جدیدی نیستم و عوض نشده ام». این نیز که وی را «دوگل اسرائیل» بخوانند قبول ندارد. اما با صمیمیت و حتی ساده لوحی، دنیای ذهنی و سیاسی اش را آشکار می کند. از دیدگاه او فلسطینی ها به دو دسته تقسیم می شوند: يك دسته «خوب» که هدفی ندارند جز «تأمین نان خانواده و بزرگ کردن بچه هاشان»، و يك دسته دیگر که تمایلات سیاسی دارند و ناچار «دستشان به تروریسم آلوده» است.

دنیای شارون عمیقاً متأثر از نوستالژی مرد ۷۳ ساله ای ست که آرزوی دوران خوش صهیونیسم را دارد. او می گوید: «تمام زندگی من در این بحران سپری شده است» و خاطرات «ناآرامی های ۱۹۳۷» (منظور شورش فلسطینی ها بر ضد قیمومت بریتانیا ست)، «روزهای دشوارتر جنگ استقلال» (۱۹۴۸) و بالاخره خاطرات تنش هایی که با «تدارک جنگ شش روزه همراه بود» (۱۹۶۷). اسرائیلی ها در آن زمان قدرت امروز را نداشتند اما يك «روحیه» جهان گشایی آنان را به حرکت در می آورد. این روحیه هرگز دچار تردید نشد؛ زیرا ما می دانستیم که به سوی هدفی پیش می رویم و جزئی هستیم از چیزی ... که با پیش رفتن راه را هموار می کند». شارون از «روحیه» ناکافی امروز ملت اسرائیل گلّه می کند.

شارون چند بار تأکید می کند که آن «چیزی» که در دوران خوش گذشته بر همه جا حاکم بوده و باید دوباره برقرار شود، «صهیونیسم» است، دست کم به آن معنایی که او از آن می فهمد. اینکه وی حاضر نیست کوچکترین مستعمره (شهرک مهاجر نشین) یهودی را هم تخلیه کند، بیشتر انگیزه های ایدئولوژیک دارد تا امنیتی. اگر پیرسید «حتی شهرک های دورافتاده؟»، جوابش این است که «ابدأ». به هیچ قیمتی ... قبل از هرچیز بدین خاطر که آن ها اهمیت صهیونیستی دارند...». «برقراری مجدد برنامه های آموزشی مطابق با ارزش های صهیونیستی» نیز از همینجا سرچشمه می گیرد، کاری که چندی پیش وزیر آموزش و پرورش با از دور خارج کردن یکی از کتاب های درسی انجام داد، زیرا آن را غیر صهیونیستی ارزیابی کرده بود.

چه ارتباطی بین این مسائل و پایان نیافتن جنگ ۱۹۴۸ وجود دارد؟ منظور وی را در جملات زیر می یابیم: «شک نیست که دنیای امروز با گذشته متفاوت است، بازتر است، ولی به عقیده من آنچه پیش از تأسیس دولت اسرائیل حقیقت داشت هنوز هم صادق است. در اساس چیزی تغییر نکرده است. امروز مردم برای به دست آوردن يك هکتار، باز هم يك هکتار، دچار هیجان نمی شوند [شعار «يك هکتار، باز هم يك هکتار» شعار یهودیان عادی در سال های ۱۹۴۰-۱۹۳۰ بود]، اما مرا همچنان دچار هیجان می کند».

## تکرار جمله بن گوریون

تو گویی به ... بن گوریون گوش می دهی. نه بن گوریون سوسیالیست، بلکه ناسیونالیستی که طی سال های ۱۹۵۰ به سردسته ای به نام آریل شارون بسیار علاقه داشت. بنیانگذار اسرائیل در ۱۹۴۷ برای آنکه طرفدارانش به تقسیم فلسطین رضایت دهند می گفت: «وقتی نیرومند شدیم، وقتی دولت ما مستقر شد، تقسیم را

ملغی کرده بر تمامی سرزمین اسرائیل مسلط خواهیم شد». نتیجه را به طور کامل درسخن دیگری از او می توان یافت، که در فردای جنگ ۱۹۴۸ می گوید: «ما هنوز صد سال کار داریم». شارون در این راستا قرار می گیرد. او معتقد است که زمان برای پذیرش اسرائیل توسط جهان عرب مساعد نیست «جنگیدن وظیفه نسل من بوده و هست. از آن نسل های آینده نیز خواهد بود. راه هنوز بسیار طولانی ست. این امر شکستناپذیر، آرامش و اراده می خواهد، اراده بسیار».

این رابطه با زمان (در عین حال ایستا و نامحدود) و مکان (سرزمین و مرزها) است که فکر آریل شارون را شکل داده است و نشان می دهد که چرا تا زمانی که امکان تصرف «تمام سرزمین اسرائیل» یعنی فلسطین تحت قیمومت بریتانیا، به دست نیاید «جنگ استقلال به پایان نرسیده است». طرحی که وی به فلسطینی ها پیشنهاد می کند مؤید این مطلب است. این طرح مبتنی ست بر حاکمیت اسرائیل از مدیترانه تا رود اردن. چنین برداشتی از نزاع [اعراب و اسرائیل] که برای آن پایانی متصور نباشد، باعث شده که اسرائیل هرگز رسماً مرزهای خود را تعیین نکند، چرا که اندیشه اصلی این است که با قرار دادن دیگران در برابر عمل انجام شده «همیشه باید راه را با جلو رفتن گشود».

آریل شارون ادامه می دهد که «هر گامی در این منطقه برگشت ناپذیر است» و دقیقاً همین تفکر بود که قربانی اصلی توافق های اسلو (۱۹۹۳) شد. منطق اسلو پذیرفتن وجود دو دولت بود بر روی سرزمین واحد، با مرزهای قطعی برای هر دو ملت اسرائیل و فلسطین. بر عکس، برای اسرائیلیان مخالف اسلو، از جمله شارون، حماسه صهیونیسم ادامه دارد. این بینش که «۱۹۴۸ فقط فصل اول» آن کتابی ست که به «هدفی» منتهی می شود و آقای شارون از آن هدف نام نمی برد، از همینجا سرچشمه می گیرد. و وقتی می پرسید که اگر فلسطینی ها رضایت ندهند، چطور؟ پاسخ او این است که باید مبارزه و صبر کرد. زیرا «زمان به زیان ما حرکت نمی کند» و بنا بر این باید اول «تروریست ها» را آنقدر کوبید که بپذیرند امیدهایشان بیهوده است. از نظر سیاسی باید وقت کشی کرد. از دید وی «قرارداد صلح یک «بلند پروازی گزافه گویانه» است. او راه حل دیگری پیشنهاد می کند که عبارت است از: «مرحله به مرحله به سوی یک راه حل دراز مدت پیش رفتن». با شروع از یک توافق موقتی ده تا پانزده ساله. باید راه را کوبید و جلو رفت. «یک هکتار، باز هم یک هکتار» و سرزمین آن ها را تصاحب کرد.

### در هم تنیدن مناطق مسکونی

این ها حرف های پوچ نیست. وزارت مسکن اسرائیل اعلام کرده است که ساختمان ۳۰۰ مسکن اضافی در حار حوما (ابو غنیم واقع در بیت المقدس شرقی) شروع می شود. در تاریخ ۵ آوریل، ۷۰۰ ساختمان در دو مستعمره دیگر بدان اضافه گردیده و یکی از مسؤولین جنبش «صلح اکنون»، به نام یوسی ران، از برنامه دولت برای ایجاد یک مستعمره مهاجر نشین جدید (با ۶۰۰۰ خانه) در گواوت (واقع در ساحل غربی رود اردن) پرده برداشته است. قبل از عید پاک (۱۶ آوریل) شرکت توسعه محلات یهودی نشین در بیت المقدس - مربوط به بخش قدیمی شهر [بخش عربی آن] - که یک مؤسسه غیر دولتی ست، طرح توسعه (مربوط به سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴) محله یهودی نشین و «اطراف» آن را ارائه داد. همانطور که سرمقاله نویس اسرائیلی آکیوا الدار نوشته است «کلمه مهم در اینجا همانا کلمه «اطراف» است. هدف این است که تمام مناطق مسکونی فلسطینی را با جمعیت اسرائیلی درهم بیاوند به طوریکه نتوان شهر را بر اساس هویت [عربی یا یهودی] اهالی آن، آنطور که در مذاکرات کمپ دیوید [بین باراک - عرفات] پیش بینی شده بود، تقسیم کرد.

آیا چنین بینشی گذشته گرا از مردی که ظاهراً هیچ چیز را فراموش نکرده و از خون و اشک هموطنانش و

از ستم و تحقیر علیه فلسطینی ها هیچ چیز نیاموخته می تواند جای یک استراتژی سیاسی را بگیرد؟ شارون مطمئن است که تا امروز تاریخ به وی حق داده است. مگر نه این است که از ۱۹۶۷ به بعد، «هر عمل انجام شده» توسط اسرائیلی ها در سرزمین های اشغالی، سرانجام به صورت دفاکتو مورد قبول جامعه بین المللی قرار گرفته است؟

در اینجا نیز با آموزش های بن گوریون رو به رو هستیم. اما شارون از آن مرد که تا زمانی که خود افسری جوان بود در پناهش زیست، تنها ظواهری را اخذ می کند که برایش صرف داشته باشد: یعنی بن گوریون ترفند باز، مبتکر طرح سری (معروف به طرح D) دائر بر اخراج فلسطینی ها در ۱۹۴۸، یعنی بن گوریون متعلق به لحظه ای خاص از تاریخ. اما بن گوریون از این ها فراتر بود و قبل از هرچیز دولتمری پراگماتیک. این نکته را عموماً فراموش کرده اند، ولی در گرماگرم هلهله پس از پیروزی ۱۹۶۷، بنیانگذار دولت اسرائیل به کرات به هم میهنان خود هشدار داده بود که مبادا تسلطشان بر اعراب که تحت ستم قرار دارند طولانی شود. اگر امروز بن گوریون بود، بدون شك نمی پذیرفت که از ۵۳ سال پیش تا کنون «هیچ چیز اساساً تغییر نیافته است».

ترجمه بهروز افشین

(لوموند ۲۴ آوریل ۲۰۰۱)